

اساساً سخن گفتن
از یاری‌گری
نیکوکارانه فارغ
از عدالت، برای
دولت و حاکمیت
سیاسی،
بی معناست.
فضای دولت
همواره ملازم
قسمی الزام
و مقتضی
مناسبات حکم و
تکلیف است، نه
مناسبات صرفاً
نیکوکارانه.

ندارند؛ مانند صلۀ رحم، عیادت مریض، تواصی به حق، نصیح و مشورت، تواصی به صبر، امر به معروف و نهی از منکر؛ بنابراین ما با تکثر مفهوم و مصداق در بحث خدمت روبه‌رو هستیم.

۳. در تقسیم‌بندی‌های رایج، خدمت و امداد را به دو نوع «ساختاری» و «غیرساختاری» تقسیم می‌کنند. امداد ساختاری آن خدمتی است که توسط نهاد های دولتی و رسمی انجام می‌شود و امداد غیرساختاری، یعنی آن چه جنبه فردی و مردمی غیردولتی دارد. من تقسیم‌بندی رایج را دست‌کم از این جهت نمی‌پسندم که کانون‌های خدمت‌رسانی و امداد غیردولتی هم می‌توانند ساختارمند باشند. لذا تقسیم‌بندی خدمت به «حاکمیتی» و «غیرحاکمیتی» یا مردمی را پیشنهاد می‌دهم.

۴. عدالت، گاه منشأ و خاستگاه یاری‌گری و خدمت است و گاه ویژگی و وصف خدمت. اساساً آن چه که افراد، گروه‌ها و به ویژه سازمان‌های دولتی را ملزم به یاری‌گری می‌کند، «مقوله عدالت» است؛ به ویژه آن که عدالت ارزشمند است و استقرار آن لازم می‌آید. گاهی عدالت در موضعی مقدم بر یاری‌گری و به عنوان منشأ و مبدأ رجحان یا الزام آور بودن آن قرار می‌گیرد. گاهی نیز عدالت در موضع وصف و ویژگی خدمت مطرح می‌شود. به این معنا که انجام خدمت، می‌تواند موصوف به ویژگی‌های متعددی باشد؛ مانند خدمت کریمانه که در قرآن و روایات با بیان‌های متفاوتی آمده است. این که قرآن شریف می‌فرماید انفاق و خدمت را با منت گذاشتن ضایع نکنید، از همین باب است. گاهی کسی خدمت بی‌منت و کریمانه‌ای انجام می‌دهد و این یاری‌گری با حفظ کرامت خدمت‌شوندگان توأم می‌شود؛ گاهی نیز خدمت او با منت توأم است. لذا این پرسش مطرح می‌شود که آیا لازم است فرد یا نهاد یاری‌گر، آن خدمت را به گونه‌ای انجام دهد که عادلانه باشد؟ آیا ضروری است که خدمت، در کنار بی‌منت بودن و کریمانه بودن، عادلانه نیز باشد؟ طبعاً این پرسش زمانی قابل طرح است که بخواهیم چیزی مادی یا غیرمادی را توزیع کنیم.

ب) هفت نکته بنیادی

۱. خدمت و یاری‌گری در مواردی که اولاً جنبه توزیع مالی و مادی دارد؛ و ثانیاً منبع مالی توزیع، جنبه عمومی و بیت‌المالی داشته باشد، از مصداق «عدالت توزیعی» است. اکنون این پرسش مطرح است که مبنای توزیع عادلانه دقیقاً چیست؟ حق، نیاز یا استحقاق؟ فرض کنید اگر دولت بخواهد خدمتی به اهل فرهنگ انجام دهد تا تولیدات فاخر فرهنگی و هنری در جامعه از رونق و حیات نیفتند، آیا این توزیع مالی و امکانات باید عادلانه باشند؟ روشن است